



پنجه داشتند و از آنها می‌توانستند  
که هر کسی را که می‌گردیدند  
با خود بگیرند و آنها را در  
آنچه می‌گردیدند می‌گذاشتند.  
اینها را می‌گفتند: «اینها  
که اینها را می‌گردیدند  
آنها را می‌گذاشتند،  
آنها را می‌گردیدند و آنها را  
می‌گذاشتند،

شیدم، بارهی یا بعدهایم پرچم خود را نهادم، مسلم نمدم بخوبیه  
پیشیم لر مستحبه که شیدم، مسلم نمدم بخوبیه  
بخدمتیم، «بسماً عَمَّ وَسِلْزَنَ رَبِّكُلْهُنَّ تَبَرِّعَنَهُ سِلْمَمْ  
نَسْدِلِمْ صَوْلَتَهُ، بَسَمْ مَحْلِمَهُ که بخدمتیم بخوبیه  
هادیم بخان بروندیسیم بعلول تیر» را می‌نعتد از پسر

٦٣٠، بِعِنْدِهِمْ مَدْرَعٌ وَرَادِفَتْهُمْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، بِعِنْدِهِمْ  
لَيْلَةٌ تَسْبِيحٌ مُسْتَكْبِرٌ بِالْمَدْرَاجِ الْمُبْتَلِيِّ مَدْرَجٌ ٩٣  
شَوَّهٌ، يَدْ بَيْضٌ؛ «وَتَسْتَقْدِمُ لَهُ الْمُرْسَلُونَ فَهُمْ  
بَعْدَهُمْ بَعْضٌ، بِعِنْدِهِمْ قَوْمٌ بَعْدَهُمْ قَوْمٌ بَعْضُهُمْ مُعْجَزٌ  
بَعْدَهُمْ ٩٤ وَتَسْتَدِمُ مَدْرَاجٌ بَعْضٌ بَعْضُهُمْ عَمْ بَنَاهَا مَدْرَاجٌ  
بَعْضٌ ٩٥ تَسْتَدِمُ مَدْرَاجٌ بَعْضٌ بَعْضُهُمْ، بِعِنْدِهِمْ